



واجب

واجب در اصطلاح **فقه اسلامی**، فعلی است که **تاریک** آن در **دنیا مستحق دم** و در **آخرت مستحق عقاب** باشد.^[۱]

فهرست مندرجات

- ۱ - معنای لغوی و اصطلاحی واجب
- ۲ - اهمیت انجام واجبات در قرآن
- ۳ - اهمیت انجام فرائض در احادیث
- ۴ - جایگاه واجبات در میان اعمال صالح
- ۵ - اهمیت تشخیص واجب در هر زمان
- ۶ - ابزار تشخیص وظیفه
- ۷ - شؤون عبودیت
- ۷.۱ - تسلیم حق بودن
- ۷.۲ - اطاعت امر کردن
- ۸ - مقصود از انجام واجبات
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منبع

معنای لغوی و اصطلاحی واجب

واجب در **لغت** به معنای لازم و ثابت میباشد.^[۲] و فرض و فریضه به معنای اندازه‌ی معین و لازم است.^[۳] در اصطلاح نیز هر چیزی که **خداوند** به آن **امر** فرموده به طوری که در **بجا آوردنش ثواب** و در **ترکش وعده‌ی عذاب** داده باشد آن را فریضه و واجب گویند.^[۴]

اهمیت انجام واجبات در قرآن

«و کسی که **خدا** و **پیامبرش** را **اطاعت** کند، (در روز **رستاخیز**) همنشین کسانی خواهد بود که **خدا**، **نعمت** خود را بر آنان تمام کرده از **پیامبران** و **صدیقان** و **شهادا** و **صالحان** و آنها **رفیقای** خوبی هستند»^[۵]
این **آیه** در بیان مرتبه‌ی کامل از اهل **ایمان** و **تقوی** است کسانی که در مقام اطاعت **پروردگار** و **پیروی** از **حکم** و فرمان **پیامبر اسلام** برآیند و در **عقیده** و **خوی** پسندیده **استقامت** داشته و شائبه **تخلّف** در آنان نباشد در اثر **سعی** و **کوشش** به مرتبه کامل از ایمان نائل شده و ملحق به پیامبران خواهند بود.^[۶]
«و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به **رستگاری** (و **پیروزی**) عظیمی دست یافته است!»^[۷]
این جمله وعده‌ای است به کسانی که همه **اعمال صالح** را **بجا** آورند و از همه **گناهان** اجتناب کنند؛ چون فوز عظیم را مترتب بر طاعت خدا و رسول کرده است. مساله اطاعت خدا و رسول، کلام جامعی است که همه **احکام** سابق از واجبات و **محرمات** را شامل می‌شود.^[۸]

اهمیت انجام فرائض در احادیث

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

«خداوند می‌فرماید هیچ **بنده‌ای** نمی‌تواند **محبت** مرا به خود جلب کند مگر اینکه واجبات مرا دوست داشته باشد و به آن عمل کند.»^[۹]
روشن است کسی که بخواهد نظر شخص دیگری را به خود جلب کند، می‌بایست به خواسته‌های او اهمیت داده، و **همت** خویش را مصروف **اجابت** خواسته‌های وی کند. البته در **دوستی** با دیگر **انسانها** این خطر نیز وجود دارد که خواسته‌های آنان در **تعارض** با خواسته‌های شخص باشد، اما در دوستی با **خالق هستی** که هرچه قرار داده در جهت **آسایش** انسان هاست، این خطرات نیز وجود ندارد و آنچه که او از بنده اش میخواهد، **جملگی** مورد تأیید **عقل سلیم** میباشد و آسایش دو **گیتی** را برای انسانی که خواستار جلب **محبت** خداست، دربر دارد.
امام علی(علیه السلام) می‌فرماید:

«بشتابید به سوی **عبادتها** و **سبقت** بگیرید به انجام **اعمال** صالح؛ پس اگر کوتاهی از سوی شما صورت گیرد، **ببرهیزید** از اینکه در انجام واجبات کوتاهی کنید.»^[۱۰]

در این **روایت حضرت علی(علیه السلام)** واجبات الهی را خط قرمز کوتاهی‌های انسان معرفی می‌دارد و سخن آن حضرت این است که اگر کوتاهی هم صورت می‌گیرد نهایتش **مستحبات** است اما در واجبات دیگر جای هیچ کوتاهی و کم‌کاری نیست.^[۱۱]

جایگاه واجبات در میان اعمال صالح

از آیات **قرآن** استفاده میشود که بعد از **ایمان** به خدا، عمل صالح، وسیله **تکامل نفس** و **تقرب** به خدا و نیل به درجات عالی **انسانیت** و زندگی پاک و پاکیزه

اخروی است.

«هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به **حیاتی** پاک **زنده** می‌داریم و **پاداش** آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.» [۱۲]

مقصود از عمل صالح، عملی است که در **شرع** به عنوان واجب یا **مستحب** معرفی شده است و **سالک** از طریق انجام آن می‌تواند **سیر** و **سلوک** کند و به مقام **قرب** نائل گردد. تنها راه همین است و هر راه دیگری بیراهه است و سالک را به مقصد نمی‌رساند. سالک باید کاملاً **مطیع** شرع باشد و برای سیر و سلوک جز راه شرع راه دیگری را طی نکند. اما آنکس که می‌خواهد **رضایت** خالق را جلب کند در مرتبه اول باید سعی کند واجبات و فرائض دینی را درست بر طبق **مقررات** شرع انجام دهد که با ترک فرائض و واجبات نمی‌توان به مقامات عالی نائل گشت، گرچه در انجام مستحبات و **اذکار** و **اوراد** کوشا باشد. [۱۳]

از این رو سفارش **رسول خدا** (صلی الله و علیه و آله) به **امیرمومنان** (علیه السلام) این است: «ای **علی**! هر گاه دیدی مردم به مستحبات اشتغال دارند تو به کامل ساختن واجبات بپرداز.» [۱۴] و امیر مومنان علی (علیه السلام) نیز فرمود: «مستحبات، موجب نزدیکی **بندگان** به **خدا** نمی‌شود وقتی که به واجبات ضرر برساند.» [۱۵]

اهمیت تشخیص واجب در هر زمان

حضرت **امام سجاد** (علیه السلام) می‌فرماید: «تعجب می‌کنم از کسی که در جستجوی **تحصیل فضیلت** است، ولی از انجام فرائض واجب کوتاهی می‌کند و چنین آدمی از **معرفت** حقیقت امر و از تشخیص **وظیفه** خود محروم بوده، **حقیقت** را سبک و **حقیر** شمرده و **غفلت** کرده است از آنچه **خداوند** متعال او را برای آن ساخته و از وی آن را خواسته است.» [۱۶]

تشخیص وظیفه از امور بسیار مهم است بطوریکه سالکین کار کرده و **متدینین** روشن ضمیر و حتی آنان که دارای **مکاشفه** هستند از تشخیص این امر مهم **عاجز** بوده و در این مرحله **انحرافات** و **گمراهی‌هایی** پیدا می‌کنند.

یکی وظیفه‌اش **کسب** و تأمین **معاش** خود و **عائله** است و از این جهت **تسامح** می‌ورزد. دیگری وظیفه‌اش تحصیل **علم** به فرائض و **آداب** و **سنن** است ولی سبک می‌شمارد. یکی دیگر موظف است که نهایت **اهتمام** به واجبات و **محرمات** داشته باشد ولی به امور غیر لازم و کارهای مستحبی می‌پردازد. آن یکی **نماز** نمی‌خواند، و دم از **دینداری** می‌زند. یا **روزه** نمی‌گیرد و از فوائد روزه صحبت می‌کند یا به کتاب و سنت عمل نکرده و به حرف خدا و **پیغمبر** گوش نمی‌دهد و خود را عالم به **حقیقت** تصور می‌کند. یا اهل علم و **دانش** را **مسخره** کرده و **عقل** و **برهان** را کوچک شمرده و به سخن هر مدعی **دروغگو** **تسلیم** می‌شود، یا مرتکب **صدها خیانت** و **جنایت** و بی‌انصافی و **ریا خواری** و **ظلم** و **دروغ** و **حیله** و **تزیور** و **تهمت** و **غیبت** و **بدگویی** می‌شود و در صف اول **جماعت** جا می‌گیرد. اغلب مردم متدین در مقام تشخیص وظیفه دچار **اشتباه** و **انحراف** می‌گردند و چه بسیار به خاطر بجا آوردن امری مستحب، **ترک تکلیف** واجب می‌کنند؛ یعنی آن اندازه که به امور مستحبی و یا مرسوم و **عرفی** و متداول اهمیت می‌دهند، به وظائف و فرائض لازم خود اهتمام ندارند.

ابزار تشخیص وظیفه

در **دین اسلام** برای تشخیص آنچه که بر انسان در زمانها و مکانهای مختلف واجب و فرض می‌باشد، دو وسیله و ابزار تعیین شده است که مراجعه به آنها و استفاده صحیح و درست از آنها می‌تواند انسان را به سوی مسیر درست **هدایت** کند. این دو وسیله عبارتند از: **عقل** و **وحی**.

آنان که با آیات قرآنی آشنایی دارند به خوبی می‌دانند که در هیچ کتاب آسمانی به اندازه **قرآن** به عقل و **دلایل عقلی** بها داده نشده است. [۱۷] با مراجعه به **احادیث** و **روایات** نیز می‌بینیم که مسئله **حجیت** عقل برای انسانها از **مسلمات** است.

در روایتی **امام صادق** (علیه السلام) می‌فرماید: «**حجت** خدا بر **بندگان**، پیغمبر است و **حجت** میان **بندگان** و خدا عقل است.» [۱۸]

یعنی خدا دو ابزار برای شناسایی مسیر **صحیح** قرار داده که عبارتند از **پیامبران** به عنوان رسانندگان وحی الهی به **بندگان** و عقل که وسیله مناسب تشخیص درست از نادرست و **سود** از **زیان** میباشد. البته طبق این روایت عقل از دو سو **حجت** و **دلیل** میباشد؛ اول **دلیل** و **حجت** خدا بر **بندگان** و دوم **دلیل** و **حجت** **بندگان** بر خدا. به عبارت دیگر **خداوند** به سبب وجود عقل می‌تواند از **بندگان** این پرسش را داشته باشد که چرا چنین و چنان کردی و **بندگان** نیز با **دلایل عقلی** می‌توانند **علت** کارهای خویش را برای خدا توضیح دهند و از خدا درخواست **جزای** مناسب با اعمال خویش را نمایند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «چون **خداوند** متعال **عقل** را آفرید به او فرمود پیش بیا، پیش آمد فرمود برگرد، برگشت فرمود به **عزت** و **جلال** **مخلوقی** بهتر از تو نیافریدم، امر و نهی و **پاداش** و **کیفر** متوجه تو است.» [۱۹]

شؤون عبودیت

← تسلیم حق بودن

عبودیت، **تسلیم حق** بودن و گردن نهادن به خواست الهی است؛ یعنی "**عبد**" جز **رضای** حق نخواهد و در برابر او در **دلت** و **اطاعت مطلق** باشد که اصل "**عبودیت**"، "**خضوع**" و "**تذلل**" است. بنابراین **عبد** در برابر **مولا**، وجودی برای خویش قائل نیست؛ ملازم مولاست و از وی فاصله نمی‌گیرد؛ **آزادی** و **استقلال** را از خود **سلب** می‌کند و در برابر مولا خویش هیچ گونه **خلاف** و **تعذی** نمی‌کند؛ **مطیع** اوست و به **اراده** و خواست او عمل می‌کند. بدین ترتیب هر کس لباس **بندگی** حق به تن کند و ذلت **عبودیت** را پذیرا شود به **عزت** ربوبیت رسد. [۲۰]

← اطاعت امر کردن

اطاعت نیز که عبارت است از گردن نهادن در برابر اوامر و نواهی **مولی**، خود یکی از **شؤون عبودیت** و **بردگی** برای مولی است؛ زیرا اگر مولی **برده‌ای** را **مالک** می‌شود، هیچ منظوری ندارد جز اینکه مالک اراده و عمل برده باشد؛ به طوری که برده‌اش اراده نکند مگر آنچه را که مولی اراده می‌کند و هیچ عملی را انجام ندهد مگر آنچه را که مولا پیش از او بخواهد انجام دهد، پس طاعت مولی نحوه‌ای از عبودیت **عبد** است. [۲۱]

مقصود از انجام واجبات

مقصود از انجام واجبات، رسیدن به مقام بندگی است، که در سایه دل سپردن به فرامین و دستورات الهی حاصل می‌شود.

پانویس

- ↑ مولوی مجد اعلی بن علی التهانوی الحنفی، کشف اصطلاحات الفنون، تهران، مکتبه خیام، ۱۹۶۷م، ج۲، ص۱۴۴.
- ↑ فیومی، احمد؛ المصاحح المنیر، ص۶۴۸.
- ↑ مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج۹، ص۵۹.
- ↑ دستغیب، عبدالحسین؛ گناهان کبیره، ج۲، ص۱۸۹.
- ↑ نساء/سوره ۴، آیه ۶۹. ﴿ ۶۹ ﴾
- ↑ حسینی همدانی، سید مجدحسین؛ انوار درخشان، ج۴، ص۱۱۰.

۸. ↑ [اجزای/سوره ۲۳، آیه ۷۱](#). ↑ [ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۵۲۳-۵۲۴](#).
۹. ↑ [الکافی، ج ۲، ص ۸۲](#).
۱۰. ↑ [آمدی، عبد الواحد: تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۸۱](#).
۱۱. ↑ [رک: خوانساری، آقا جمال‌الدین؛ شرح آقا جمال‌الدین خوانساری بر غررالحکم، ج ۴، ص ۱۴۹](#).
۱۲. ↑ [نحل/سوره ۱۶، آیه ۹۷](#).
۱۳. ↑ [رک: امینی، ابراهیم؛ خودسازی و تزکیه نفس، ص ۲۱۶-۲۱۷](#).
۱۴. ↑ [صابری یزدی، علیرضا؛ الحكم الزاهرة، ترجمه مجد رضا انصاری محلاتی، ص ۷۴۸](#).
۱۵. ↑ [آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۷۹](#).
۱۶. ↑ [مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه، ص ۱۱۲](#).
۱۷. ↑ [مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۶، ص ۵۸](#).
۱۸. ↑ [کافی، ج ۱، ص ۲۵](#).
۱۹. ↑ [کافی، ج ۱، ص ۲۶](#).
۲۰. ↑ [دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیره نبوی «منطق عملی»، ج ۲، ص ۲۵](#).
۲۱. ↑ [ترجمه المیزان ج ۱۹، ص ۵۱۴](#).

منبع

جباری عربلو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، ص ۱۷۸.
پژوهشکده باقرالعلوم.

رده‌های این صفحه : [اصطلاحات اسلامی](#) | [محکوم به](#)